

مشروعیت نظارت استصوابی در ابهام

نادر کریمی جونی

تا چند روز دیگر برگزیدگان انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه استان گلستان وارد مجلس خواهند شد و همانطور که برخی اصلاح طلبان تصریح کرده اند اعتبارنامه آنان نیز تأیید خواهد شد. در این میان به نظر می رسد چالشی که میان جبهه دوم خرداد و منتقدان اصلاحات در ابتدای تأیید صلاحیت داوطلبان این انتخابات روی داد همچنان تداوم داشته باشد؛ مخالفت با نظارت استصوابی شورای نگهبان بر صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس که پس از دوم خرداد و حتی پیش از آن، در مجلس چهارم، بحث های بسیاری را برانگیخته بود با فرارسیدن زمان مبارزات غیررسمی انتخابات مجلس هفتم جدی تر خواهد شد و همچنان به عنوان سدی بزرگ در مقابل کاندیداهای جبهه دوم خرداد، خودنمایی خواهد کرد. در این میان، هرچند برخی از چهره های دوراندیش و شاخص این جبهه در انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی در استان گلستان تلاش کردند با پدید آوردن نهادی به عنوان حکم میان وزارت کشور و شورای نگهبان، قدرت شورای مذکور را مهار کرده و نقطه عطفی را در حرکت و قدرت نهادهای انتصابی پدید آورند اما چنانکه پیش بینی می شد محافظه کاران این تلاش را برنتابیدند و در مقابله با این تلاش نیز پیروز شدند.

گزارش ذیل که این چالش کشدار را در برهه مذکور به تصویر کشیده، می کوشد به گمانه زنی پیرامون این اختلاف مهم فی مابین اصلاح طلبان و محافظه کاران بپردازد.

حال، افراد رد صلاحیت شده طی دیداری با رییس مجلس شورای اسلامی از وی خواستند تا مجلس حقوق از دست رفته شان را استیفاء نماید. آقای کربوبی نیز ضمن ابراز امیدواری برای حل مشکل، گفت که در انتخابات میان دوره ای که پس از رحلت امام (ره) برگزار شد، ابتدا صلاحیت آقای بهزاد نبوی رد شد ولی بلافاصله مجمع روحانیون مبارز تشکیل جلسه داد و تهدید کرد که در صورت رد صلاحیت ایشان، مجمع از انتخابات خارج خواهد شد و ستادهای انتخاباتی خود را تعطیل خواهد کرد. پس از صدور این بیانیه آقای جنتی به من تلفن زد و گفت: شما ستادهای خودتان را تعطیل نکنید تا ما تشکیل جلسه بدهیم و صلاحیت آقای نبوی را تأیید کنیم و همین طور هم شد و بعداً در مجلس چهارم آن اتفاق ها افتاد. در همین حال، اعلام گردید که ۲۰ نفر از داوطلبان شرکت در انتخابات

کشور، هیأت نظارت بر انتخابات که از طرف شورای نگهبان تعیین می شود، اعلام کرد که این هیأت ۶۳ نفر از داوطلبان شرکت در انتخابات - که تماماً هوادار جبهه دوم خرداد بودند- را فاقد صلاحیت برای شرکت در انتخابات شناخته است.

پس از این اعلام، هرچند آیت الله نور مفیدی و برخی مقامات محلی و کشوری (مانند وزیر کشور) با اعتراض به رد صلاحیت افراد مذکور، ابراز امیدواری کردند که در بررسی مجدد صلاحیت نامزدان، افراد رد صلاحیت شده از امکان شرکت در مبارزات انتخاباتی برخوردار شوند. اما رفتار بعدی شورای نگهبان و پافشاری هیأت نظارت بر انتخابات در مورد عدم صلاحیت افراد یاد شده موضوع را بغرنج تر کرد و حساسیت فراکسیون دوم خرداد در مجلس شورای اسلامی برانگیخته شد. در همین

یک بار دیگر میان اصلاح طلبان حاکم بر نهادهای انتخاباتی و منتقدان اصلاحات رویارویی در گرفت و این دو جناح تا سرحد مواجهه کامل نیز پیش رفتند؛ مسأله نظارت استصوابی شورای نگهبان در امر تأیید صلاحیت کاندیداهای که از چند سال پیش به این سو همواره زمینه مهم اختلاف میان اصلاح طلبان و مخالفان نشان بوده، در مسأله رد صلاحیت شمار گسترده ای از نامزدان انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی در استان گلستان به مهمترین مسأله کشور تبدیل و باعث شد تا یک بار دیگر مشروعیت نظارت استصوابی به چالش گرفته شود.

این مسأله از آنجا شروع شد که پس از رد صلاحیت ۵ داوطلب از ۱۶۸ داوطلب شرکت در انتخابات میان دوره ای مجلس در استان گلستان از سوی هیأت های اجرایی زیر نظر وزارت

استان گلستان براساس تحقیقات محلی و تحقیق از اشخاص مؤثق شورای نگهبان، رد صلاحیت شده اند.

طرح دوفوریتی و شدت عمل

با پافشاری شورای نگهبان برقانونی بودن رد صلاحیت نامزدهای مذکور رفته رفته این مسأله حادث تر شد چنانکه رییس اطلاع رسانی ستاد انتخاباتی میان دوره ای استان گلستان در مصاحبه ای از استعفای ده تن از نامزدهای این انتخابات خبر داد و متعاقب آن نمایندگان مجلس اعلام کردند که در شرایط حاضر، جبهه دوم خرداد هیچ نامزدی را برای انتخابات استان گلستان معرفی نمی نماید. در این میان، طرح دو فوریتی استفساریه که در آن مجلس شورای اسلامی اعلام کرده بود رد صلاحیت هایی که دقیقاً منطبق بر قوانین موضوعه نباشد، فاقد اعتبار بوده و برای وزارت کشور لازم الاجرا نیست، نیز از سوی شورای نگهبان رد شد و زمینه برای ارایه یک طرح سه فوریتی درباره الحاق سه تبصره به ماده ۵۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مهیا گشت.

نمایندگان مجلس در این طرح وزارت اطلاعات، دادستانی کل کشور، سازمان ثبت احوال کشور و اداره تشخیص هویت و پلیس بین المللی را تنها مراجع قانونی برای اعلام نظر در مورد سوابق افراد معرفی و اعلام کردند که رأی گیری در مورد افرادی که در یکی از مراجع قبلی تأیید شده باشند، با حداقل دو سوم آرای اعضای شورای نگهبان معتبر است. این طرح هم چنین پیش بینی می کرد که انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان گلستان تا تطبیق وضع داوطلبان با این قانون به تعویق بیفتد اما در مقابل، شورای نگهبان اعلام کرد این طرح به دلیل آنکه نظارت و اختیارات شورای نگهبان را محدود می کند، خلاف قانون اساسی است و چون در مواردی که هریک از شرط های مندرج در ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی از طرق معتبر اثبات شود ولی مراجع چهارگانه آن را به طور کتبی اعلام نکنند، صلاحیت فرد کاندیدا را تأیید می نماید، خلاف شرع می باشد.

مواجهه دو جناح با بزار قانونی

با رد این طرح از سوی شورای نگهبان،

مجلس در روز پنج شنبه اول آذرماه جاری تشکیل جلسه داد و خواستار ارجاع طرح مذکور به مجمع تشخیص مصلحت نظام شد. در همین حال، هر چند عمده نمایندگان اصلاح طلب با خوش بینی در مورد حمایت مجمع تشخیص مصلحت نظام از دیدگاه مجلس شورای اسلامی، موفقیت قریب الوقوعی را برای اصلاح طلبان پیش بینی می کردند اما در عین حال، تصریح نمودند که چنانچه آن مجمع از نظر مجلس حمایت نکند نمایندگان حق عدم تأیید اعتبارنامه های نمایندگان انتخاب شده در استان گلستان را برای خویش محفوظ خواهند شمرد. آقای عباس عبدی عضو مؤثر جبهه مشارکت نیز تهدید کرد: جنبش اصلاحی در شرایط فعلی می تواند اقدامی جدی بکند و آن هم بیرون آمدن دسته جمعی از حکومت است که به همراه آن مشروعیت خود را نیز به همراه می آورند.

اما حمایت مجمع تشخیص مصلحت نظام از نظر شورای نگهبان، که از سوی برخی نمایندگان مجلس با توجه به ترکیب اعضاء و مهم تر از همه موضع ریاست این مجمع قابل پیش بینی توصیف شده بود، یک بار دیگر مسأله نظارت استصوابی شورای نگهبان را به دغدغه اصلی اصلاح طلبان تبدیل کرد، به ویژه آنکه برخی عناصر شاخص جناح راست - مانند آقای عسکراولادی - نیز تأیید صلاحیت نمایندگان اصلاح طلب را در انتخابات ۱۳۷۸ امری اشتباه خواندند و خواستار جبران این اشتباه شدند. در این زمینه آقای حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان نیز در یادداشتی با عنوان شورای نگهبان اشتباه کرده است. ضمن انتقاد از شورای نگهبان به خاطر زیر پا گذاشتن ضوابط قانونی و تأیید صلاحیت افرادی که کمترین اعتقادی به قانون اساسی ندارند، نوشت: شورای نگهبان نمی تواند از پذیرش مسؤولیت این تخلف قانونی - که خوش بینانه ترین تفسیر آن بی توجهی و بی دقتی در تأیید صلاحیت این گونه نامزدهاست - شانه خالی کند چرا که تاکنون مردم و نظام اسلامی برای این تخلف قانونی و بی توجهی غیرقابل توجیه شورای نگهبان بهای سنگینی پرداخته اند و این خسارت ها کماکان ادامه دارد. شریعتمداری در ادامه همین مقاله تکرار این خطا از سوی شورای نگهبان را

غیرقابل پذیرش خواند و در پایان یادداشت احتمالاً با الهام از بیانات مقام رهبری در سفر ایشان به اصفهان، از مجمع تشخیص مصلحت نظام خواست که بیرون کردن افراد بی اعتقاد به قانون اساسی و مبنای نظام را از مسؤولیت هایی که غضب کرده اند، به عنوان یکی از ضروری ترین نیازها و مصالح دیروز، امروز و همیشه در دستور کار خود قرار دهد. همین روزنامه در تاریخ ۸۰/۹/۵ از قول "یک هموطن" نیز در ستون خوانندگان نوشت: "هیچ حاکمیتی به مخالفان خود پست و مقام نداده است. حقوق شهروندی یک چیز است و بحث حاکمیت چیز دیگری است. بعضی از مدیرتها توسط افرادی پر شده که به نظام حکومت کمترین اعتقادی ندارند.

فراندم: شعاری که به عمل نزدیک می شود

در مقابل این ادعاها، اصلاح طلبان می گفته اند در صورت پافشاری شورای نگهبان بر نظارت استصوابی در انتخابات ها، موضوع می باید از طریق همه پرسی به رأی عموم مردم گذاشته شود. آقای محمدرضا خاتمی نایب رییس مجلس و دبیر کل جبهه مشارکت ایران اسلامی در این باره اعلام کرد: "من به نظرم می رسد که این وضع که الان دارد پیش می رود فقط اسم انتخابات می تواند باشد و واقعاً آن محتوای اصلی انتخابات و رقابت جدی و فشرده ای که کاندیداهایی که براساس قانون، تأیید صلاحیت می شوند باید باشد نه وضعیتی باشد که براساس سلیقه رد صلاحیت بشوند این وضعیت متأسفانه آن طور که باید و شاید وجود ندارد و به نظرم می رسد اگر بخواهد این گونه ادامه داشته باشد تا آن زمان - انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۲ - به هر حال باید تکلیف را روشن کرد."

وی ضمن بیان این نکته که نظایر مشکل انتخابات استان گلستان بارها در کشور اتفاق افتاده و به صورت یک معضل درآمده است، در عین حال تصریح کرد: "همه پرسی، یک پروسه نسبتاً طولانی دارد و باید با کار کارشناسی انجام شود، همه پرسی چیزی نیست که امروز تصمیم گرفته شود و فردا انجام شود. باید مقدمات آن انجام شود و به نظرم می رسد که اگر وضع به همین منوال بخواهد باشد برای

انتخابات های دیگر باید تکلیف را رأی مردم مشخص کند که کدام روش را بهتر می پسندند." در این باره دیگر عضو جبهه مشارکت و عضو هیأت رییس مجلس شورای اسلامی، محسن میردامادی، انجام همه پرسسی در مورد نظارت استصوابی شورای نگهبان را پیش از برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۲ متحمل دانست و گفت: "این از بحث های مطرح بوده که برای نظارت استصوابی، که از موضوعات مهم و مورد اختلاف این چند سال گذشته بوده است، تقاضای انجام همه پرسسی شود و فعلاً در همین حد مطرح است و کار جدی درباره آن در مجلس نشده است."

در این باره موضع جناح راست، چنانکه انتظار می رود، موضعی به سود شورای نگهبان و علیه همه پرسسی است. آقای حسن قشقاوی عضو شناخته شده فراکسیون اقلیت مجلس و نماینده رباط کریم، تصریح می کند: اگر عملکرد همه جناح های موجود به همه پرسسی گذاشته شود، من "فراندم در باره نظارت استصوابی نیز موافقم" آقای رضا طلایی نیک دیگر عضو این فراکسیون و نماینده بهار و کبودرآهنگ نیز می گوید: برای فراندن باید شرایط خاصی پیش بیاید چون اگر قرار باشد همیشه فراندن اجرا شود اصلاً به تصویب دو سوم مجلس، اعلان رهبری و ... گذاشته نمی شد. قطعاً باید یک شرایط ویژه باشد و حدود و ثغور آن مشخص باشد. وی در عین حال ابراز عقیده می کند من پیش بینی ام این است که اگر یک مرجع ثالثی برای حل اختلاف شورای نگهبان و مجلس به وجود نیاید و اگر مجمع تشخیص مصلحت نظام نتواند نقش کارآمدی را در حل اختلاف فعلی بروز دهد، زمینه برگزاری فراندن تقویت خواهد شد.

این شیوه یعنی استبداد

آقای موسی قربانی نماینده قایمات نیز ضمن اعلام عدم موافقت با برگزاری همه پرسسی می گوید: این حرف درستی نیست که یک نفر، گروه و یا جناح هرچه گفت انجام شود، اگر توی مجلس شد، شد! اگر نشد، مجمع تشخیص مصلحت نظام، نشد؟! با فراندن، خوب این یعنی استبداد!

اما توسل به همه پرسسی برای گذر از مسأله نظارت استصوابی شورای نگهبان چندان ساده نیست چه آنکه براساس اصل ۹۳ و ۹۴ قانون اساسی، مجلس بدون شورای نگهبان فاقد اعتبار قانونی است و کلیه مصوبات آن می باید به تصویب شورای نگهبان برسد.

آقای موسی قربانی در این باره تصریح می کند: برگزاری فراندن، چهارچوب و مراحلی دارد که باید این مراحل طی شود از جمله تأیید شورای نگهبان. چون هر مصوبه ای باید به تأیید و تصویب این شورا رسیده باشد.

محمدشاهی عرب لو دیگر عضو فراکسیون اقلیت مجلس و نماینده هشتگرد نیز در این باره توضیح می دهد: در قانون اساسی ذکر نشده که آیا همه پرسسی باید به تصویب شورای نگهبان نیز برسد یا نه، منتها اگر فراندن به عنوان مصوبه مجلس تلقی شود، قانون اساسی می گوید کلیه مصوبات مجلس باید به تأیید شورای نگهبان برسد. در این صورت پرسش مهم آن است که آیا شورای نگهبان مصوبه مجلس شورای اسلامی در خصوص برگزاری همه پرسسی را تأیید خواهد کرد.

آقای شاهی عرب لو در این باره ابراز عقیده می کند: اگر قرار باشد که فراندن تصویب شود، فکر نمی کنم شورای نگهبان با آن مخالفت کند. وی اضافه می کند: حتی اگر این مصوبه از سوی شورای نگهبان رد شود، به مجمع تشخیص مصلحت نظام می رود و من فکر نمی کنم که مجمع تشخیص مصلحت نظام با آن مخالفت کند و اگر بنا باشد مخالفت کند قطعاً براساس مصلحت هایی خواهد بود که به مردم هم اعلام می شود و به نظر من مردم هم قانع می شوند، ولی من چنین اعتقادی ندارم و فکر می کنم شورای نگهبان هیچ مخالفتی نداشته باشد.

ابزارهای خشن تر برای کنترل اصلاح طلبان

از سوی دیگر، افزون بر اهرم لزوم تأیید مصوبه مجلس در خصوص انجام همه پرسسی، محافظه کاران ممکن است از ابزارهای خشن تری برای مهار حرکت های اصلاح طلبان نیز بهره جویند؛ نه تنها مسأله حذف برخی عناصر

اصلاح طلب که مدیر مسؤل کیهان آن را پس از ایجاد شعبه ای در دادگاه انقلاب بر رسیدگی به جرم نقض کنندگان سیاست های کلی نظام، مطرح کرد، بلکه اظهارات آقای احمد پورنجاتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی مبنی بر تهدید برخی نمایندگان اصلاح طلب به رد شدن صلاحیت شان در انتخابات مجلس هفتم، احتمال توسل محافظه کاران به ابزارهای قدرتمند و برهم زدن قواعد بازی را جدی تر ساخت چنانکه این مسأله به تیرت نخست برخی روزنامه های اصلاح طلب نیز تبدیل شد. در چنین صورتی، پرسش مهم در نزد افکار عمومی آن است که در صورت تداوم مشکل، آیا جناح اقلیت - مانند برخی سوابق پیشین - با برهم زدن قواعد بازی سیاسی و بهره گیری از نفوذ نهادهای قدرتمند خویش اصلاح طلبان را از میدان به در خواهد کرد؟ برخی محافظه کاران توسل به چنین شیوه ای را مردود می شمارند؛ آقای طلایی نیک نماینده بهار و کبودرآهنگ و عضو فراکسیون اقلیت در این باره ضمن رد پیشنهاد مطرح شده در کیهان، می گوید: مجمع تشخیص مصلحت نظام چنین وظیفه ای ندارد و طرح این موضوعات بدون ارایه راهکارهای قانونی و مصادیق مشخص، در اذهان عمومی تشویش ایجاد می کند و نسبت به متولیان امور مملکت و مسؤلان حوزه حاکمیتی نیز در اذهان عمومی خدشه وارد می سازد.

وی از تشکیل شعبه دادگاه انقلاب اسلامی برای محاکمه نقض کنندگان اصول و سیاست های کلی نظام، انتقاد می کند و می گوید: البته این انتقاد به قوه قضاییه وارد هست که وقتی چنین شعبه ای را دایر می نماید، باید به طور روشن و شفاف مستندات قانونی هدف از این اقدام و چگونگی فعالیت های این شعبه را به اطلاع عمومی برساند اما اطلاعات موجود شفاف نیست و مشخص نشده که این شعبه دقیقاً برای چه هدفی و با چه روشی و با استناد به چه حوزه ای از قوانین اقدام خواهد کرد.

قلع و قمع نمایندگان مجلس هفتم؟! نه!

اما در مقابل، آقای شاهی عرب لو ضمن دفاع از نظر کیهان، اعتقاد به حکومت را لازمه ورود افراد به پست های حکومتی می داند ولی ادعا می کند که جناح راست اهرم هایش را در جهت

تحقق مطالبات مردم به کار گرفته است. وی ضمن متهم کردن اصلاح طلبان به ایجاد مشکل در کشور، هدف آنان را تسلط بر اهرم های جناح راست و دست یابی به نوعی استبداد می داند و اضافه می کند: آنها (اصلاح طلبان) دنبال حل مشکل انتخابات نبودند و حتی دنبال مشکل انتخابات آینده (مجلس هفتم) هم نیستند. بلکه این ها یک حرکت سیاسی برای تحت الشعاع قرار دادن ناکار آمدی این جناح (اصلاح طلبان) در کشور است و دیگر آنکه، آنان می خواهند مردم را برای گرفتن ابزارهای باقی مانده در جناح راست منتقد بشورانند و با ابزار مردم آنها را بگیرند و به یک انحصار طلبی و استبداد که در نظرشان هست، دست یابند. وی درباره حذف نمایندگان اصلاح طلب، پیش از توسل آنها به همه پرسی برای تعیین تکلیف نظارت استصوابی شورای نگهبان می گوید: **من قطعاً حرف های آقای پورنجاتی را رد می کنم، این که نمایندگان را هم تحریک می کنند که در دوره آینده شما را هم قلع و قمع می کنند،**

چنین چیزی وجود ندارد. این یک حرکت سیاسی برای ابزار قرار دادن نماینده هاست. وی در عین حال، تصریح می کند: الان به غیر از پنج، شش نفری که در این دوره با حرکت ها و نطق های خودشان مطالبی را اثبات کردند که در اعتقاد به ولایت فقیه و در اعتقاد به نظام مشکل دارند، بقیه نمایندگان شناخته شده هستند و قطعاً در دوره آینده هم تأیید می شوند و هیچ مشکلی هم ندارند: آقای شاهی عرب لو اضافه می کند: به غیر از آن عده ای که نوارشان هست، حرکت هایشان هست، جوسازی هایشان هست، قانون اساسی را رعایت نکردند، طرح ها و لوایح مخالف قانون اساسی دادند و نطق هایی در تحریک مردم انجام دادند، به غیر از آنها، نمایندگان افراد شناخته شده و مورد قبول جناح های مختلف هستند.

خروج اصلاح طلبان، بحران مشروعیت نظام

اما این سخنان نه تنها ابهام موجود درباره

احتمال رد صلاحیت عده ای از نمایندگان را برطرف نمی سازد بلکه به نوعی آن را تقویت نیز می نماید و از توسل احتمالی عناصر جناح راست به ابزارهای قدرتمند برای حذف رقیب خبر می دهد. در این صورت چنانچه در آغاز رقابت های غیررسمی نامزدان جناح های کشور برای ورود به مجلس هفتم جناح معتقد دولت در یک بازی نا برابر عده ای از عناصر رقیب را با استفاده از اهرم هایی نظیر حکم دادگاه های عمومی و انقلاب، رد صلاحیت و ... حذف کند آیا چنانکه آقای عبدی تهدید کرده است، اصلاح طلبان با خروج از حاکمیت و به همراه آوردن مشروعیت خود، نظام را دچار بحران مشروعیت خواهند ساخت؟ و آیا در چنین صورتی رویارویی جبهه دوم خرداد با محافظه کاران از دایره مبارزه منطقی و رعایت اصول دمکراسی در مبارزات سیاسی فراتر خواهد رفت؟!

گذشت زمان به این پرسش دشوار پاسخ

خواهد داد.

